

متن پرسش

با سلام خدمت استاد عزیز البته قبل از هر چیز از شما بابت طولانی بودن این نامه پوزش می طلبم و از شما خواهشمندم که کما فی السابق به این نامه با دلسوزی تمام پاسخ دهید چراکه سوالاتی درون آن هست که دانستن پاسخ دقیق و قابل فهم آنها برایم بسیار حیاتی است. لطفا بگذارید قبل از آنکه سوالم را مطرح کنم مقدماتی را راجع به خودم عرض کنم: من تقریباً یک سال است برای رسیدن به اهدافم و انجام هر چه بهتر کارها به برنامه ریزی روی آورده ام منتها در اوایل کارم با مشکلی رو به رو بودم آن این بود که پیش بینی های من درست از آب در نمی آمد مثلاً برای مطالعه ی درس فیزیک یک ساعت و نیم وقت می گذاشتم ولی وقتی وارد عمل می شدم می دیدیم که به بیش از این زمان نیاز داشته یا که اصلاً آن زمان فرصت خوبی برای مطالعه کردن قیزیک نبوده است و کل محاسبات و برنامه هایم به هم میریخت و باید دوباره زمان زیادی را صرف اصلاح وحتی تغییر برنامه ام می کردم حتی تا آنجا که در کنکور رتبه ی بدی کسب کردم و مدام این سوال با من بود که چگونه می توانم برنامه ریزی دقیق تری را داشته باشم تا اینکه چندی پیش با ابزار استخاره با تسبیح آشنا شدم که در مفاتیح ذکر شده و مورد تایید علمائی مثل آیت الله زنجانی می باشد شدم و راستای برنامه ریزی هایم از آن استفاده می کنم. واین ابزار کاملاً لیاقت خود را به من اثبات کرده است. هم زمان بندی هایم در برنامه ریزی دقیق شده و هم اعمال در جای خودشان انجام میشوند. و حال من بقدری به استخاره در تصمیم گیری هایم وابسته شده ام که علاوه بر آنکه روی خوب و بد بودن انجام یک عمل استخاره میگیرم بر میزان زمان مورد نیاز انجام آن عمل و نحوه ی انجام آن بطور بسیار ریز و دقیق نیز از استخاره استفاده میکنم مثلاً اینکه با چه راهکاری لغات زبان را فرابگیرم بهتر است برای پاسخ دادن به یک مسئله از چه روشی استفاده کنم یا اینکه زمانی که با دوستانم برای تفریح به بیرون میروم در چه زمانی باشد دقیقاً چه چیزهایی گفته شود دقیقاً چه جاهایی برویم دقیقاً از چه مسیرهایی عبور کنیم و خیلی دیگر از مسائل بسیار جزئی که زمان زیادی از من می طلبد. حال سوال من اینجاست: ۱) ریز شدن تا این حد در بعضی مسائل (باتوجه به آنکه من بعضاً از قبل این کار به علت زمانبر بودن ضرر درسی دیده ام) برای جوانی مثل من خوب است؟ - ۲) آیا استخاره گرفتن در چنین موارد ریزی صحیح است؟ (چون من خودم را به گونه ای وابسته ی به استخاره میبینم) ۲) اگر میشود قانده ای کلی (فرمولی صحیح) جهت استفاده ی از استخاره مثلاً اینکه در چه موارد و موضوعاتی (اعم از کلی و جزئی) عرض کنید؟ ۳) من برای استفاده از این گونه از استخاره بنا بر گفته ی حاج آقای مسجدمان اول سه تا سوره ی توحید می خوانم و سپس یک عدد صلوات فرستاده و سپس یک قبضه تسبیح به دست میگیرم و سپس چهار

تا چهار تا از دو طرف قبضه جدا می‌کنم و بر اساس اعداد (۱-۳-۴-۵-۶-۸) ظاهر شده به صحت راهکار پیش رو پی می‌برم با توجه به اینکه من این روش از استخاره گرفتن را در مفاتیح ندیده‌ام آیا این روش معتبر است؟ (البته لازم به ذکر است که شروط قبل از استخاره یعنی تفکر و استدلال و مشورت (البته من فقط زمانی لازم باشد مشورت می‌کنم) را رعایت می‌کنم. با عرض پوزش از استاد مطرح کردن سوال بعدی من که راجع به استخاره است نیازمند اندکی مقدمه است: من با اینکه اهل نماز و روزه مسجد رفتن مطالعه و تفکر و رعایت موازین اخلاقی هستم ولی متأسفانه در دوره‌ی نوجوانی به علت وضع فرهنگی بد ف مرتکب شدم و از آن موقع تا کنون من با این معصیت مانند یک بیماری مزمن دست در گریبانم (که گاهی ۳ روز به ۳ روز گاهی هفته به هفته گاهی ماه به ماه و گاهی یکسال بین ارتکاب به آن فاصله بوده است (تقریباً بدون آنکه بخواهم در خواب و بعضاً در بیداری) یعنی هیچ گاه عامل آن به طور کامل وجود مرا ترک نگفته است) تا اینکه اخیراً تصمیم تغییر راهکارهای خود برای مقابله با این معصیت گرفتم و با مطالعه‌ی کتابی از آیت الله مکارم به نام مشکلات جنسی جوانان راهکارهایم را که اکثراً تجربی بودند را اصلاح و تغییر دادم مثلاً تفریحاتم را زیاد کردم با معاشرت با دوستانم را زیاد کردم (زیرا از قبل با استناد بر حدیثی بر این تفکر معتقد بودم که مومن با کارهای جدی دم‌خور است و زیاد اهل تفریح نیست و دائماً پشت میز در حال مطالعه و تفکر بودم) خلاصه به حمد الله وضعیت اندکی رو به بهبود است. مطلب لازم به ذکر راجع به استخاره در این راستا این است که چندی پیش که دوباره همان وسوسه‌های مودی به سراغم آمده بودند و مرا آزرده خاطر ورنجور ساخته بودند من بنا بر قاعده‌ی کلی که حضرت علی ارئه کرده است یعنی مشغول کردن نفس تصمیم به برنامه‌ریزی راجع به انجام فعالیت‌هایی خاص گرفتم که وسوس را از من دور سازند و لی در کمال تعجب مشاهده کردم استخاره راجع به تمامی آنها بد می‌آید و تنها یک گزینه پیش رو مانده بود یعنی معصیت! که در کمال تعجب خوب آمد حال سوال من اینجاست: ۱) چگونه ممکن است خیریتی در انجام این معصیت خاص باشد که حالا استخاره آنرا به من خوب نشان داده است؟ این امر اندکی مرا به امر استخاره بد بین کرده است ۲) (یعنی آیا مدعای روانشناسان راجع به ترک این معصیت (دوری تدریجی از آن مثلاً زمانی که فشار وسوسه زیاد می‌گردد با رعایت یک نظم زمانی خاص در ابتدا هفته به هفته سپس دو هفته به هفته و.... تا ترک نهایی) می‌تواند درست باشد) ۳) و در پایان از استاد عزیز می‌خواهم که برای تسریع در ترک این معصیت راهنمایی بفرمایند:

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: ما در صدر اسلام استخاره به آن معنایی که امروزه معمول است نداشته‌ایم تنها به ما توصیه می‌شده از خداوند طلب خیر کنید. بعداً بعضی از علماء در اموری که بر سر دو راهی بودند بنا به سیره‌ی رسول خدا «صلوات الله علیه و آله» که اگر در مواردی با مؤمنی روبه‌رو می‌شدند آن را به فال نیک می‌گرفتند و به انجام آن مبادرت می‌کردند، در اموری که بر سر دو راهی بودند به قرآن رجوع می‌کردند و اگر با آیه‌ای روبه‌رو می‌شدند که مژده در آن بود کار را انجام می‌دادند و اگر با آیه‌ای

روبه‌رو می‌شدند که خبر از عذاب می‌داد آن‌کار را انجام نمی‌دادند و از آن به بعد استخاره به این شکل که شما ملاحظه می‌کنید معمول شد. در موارد تصمیم‌گیری در زندگی انسان، اسلام نقش اول را بر عهده حجت باطن (عقل) گذاشته است. در قرآن کریم سفارش زیادی به خردورزی و بهره‌گیری از عقل شده است و از نظر قرآن، بدترین موجودات کسانی هستند که کارهایشان از روی تعقل نیست. از نظر امام علی «علیه‌السلام»، اساساً یکی از مهم‌ترین علل بعثت پیامبران، شکوفاسازی عقل‌های آدمیان بوده است. تکیه بر عقل و استفاده از این چراغ روشنی بخش تا آن‌درجه از اهمیت برخوردار است که در شرع مقدس نیز یکی از منابع استنباط احکام به شمار می‌رود. همچنین در آموزه‌های دینی به عوامل دیگری که در تصمیم‌سازی خردمندانه دخیل اند تأکید فراوان شده است که مهم‌ترین آنها «مشورت» است. با مشورت، نقص عقل فردی تا حدود زیادی جبران می‌شود و مجموعه‌ای از اطلاعات و تجربیات گران‌بها که دیگران در طی سال‌های بسیار بدان‌ها دست یافته‌اند، به آسانی در دسترس قرار می‌گیرد اما گاهی با مشورت کردن نیز تردیدها بر طرف نمی‌شود و نمی‌توان تصمیم‌گیری کرد در این مرحله است که روایات ما برای از بین بردن تردید، استخاره را پیشنهاد می‌کنند. برای استخاره دو معناست. یکی معنای حقیقی استخاره است که در اخبار و روایات ما بیشتر از آن نام برده شده و به معنی طلب خیر نمودن از خداست. این نوع استخاره در واقع یکی از رشته‌ها و شاخه‌های دعاست و همان استخاره مطلق است که اختصاص به مورد شک و تردید ندارد، بلکه در واقع استمداد و طلب خیر از خدای متعال در جمیع کارها و تمام افعال زندگی است. لذاست که امام صادق «علیه‌السلام» فرمود که خداوند فرمود: «از بدبختی بنده من آن است که کاری از کارهایش را بدون استخاره (طلب خیر) از من انجام دهد.» [۱] بنابراین؛ طبق روایات فراوان، این نوع استخاره برای رفع تحیر و سرگردانی نیست بلکه در همه مراحل یک کار، خوب و پسندیده و راه‌گشاست. معنای دوم استخاره، طلب خیر نمودن از خدا، برای رفع تحیر و سرگردانی است که اختصاص به موارد شک و تردید دارد. درباره جایگاه استخاره به معنای دوم در فرهنگ دینی ما باید گفت اساساً سه دیدگاه می‌تواند وجود داشته باشد: الف: دیدگاهی که بدون کوچک‌ترین تعقل و تفکر و بررسی یک مسئله، نتیجه کارها را فقط و فقط به استخاره واگذار می‌کند و به استخاره پناه می‌برد. ب: دیدگاه دوم، دیدگاه عقل‌گرا و منکر استخاره است. ج: اما دیدگاه سوم، با اعتراف به منزلت و جایگاه عقل و شناخت جایگاه مشورت، به گونه‌ای استخاره را تبیین می‌کند که با تعقل و تفکر منافاتی ندارد. طبق این دیدگاه، هیچ مانع و محذور دینی در استخاره نیست، چرا که استخاره کاری جز تعیین یکی از دو طرف تردید را انجام نمی‌دهد. نه جایگاه عقل و مشاوره را نفی می‌کند، نه جلو عمل به آیات قرآن را می‌گیرد، نه حلالی را حرام، نه غیر واجبی را واجب و نه حکمی از احکام خدا را تغییر می‌دهد. بلکه فقط و فقط استخاره‌کننده را از تردید نجات می‌دهد. در بررسی صحت هر کدام از این دیدگاه‌ها به مطالب زیر باید توجه کرد: بعد از این دو مرحله اساسی (تفکر و مشاوره) و قبل از پرداختن به استخاره متعارف، در روایات سفارش دیگری به فرد مردد شده است و آن نماز و ذکر استخاره است که به

شخص مردد دستور داده و به او می فرمایند بعد از آن (نماز و ذکر استخاره) به هر آنچه که در ذهن و فکر تمایل بیشتری دارد عمل کند زیرا بعد از نماز انسان هر چه بیشتر از شیطان دور شده و تصمیم هایش خدا پسندانه تر است. چنانکه امام صادق «علیه السلام» در جواب شخصی که در انجام کاری تردید داشت فرمود: وقتی این حالت [شک و تردید] برایت پیش آمد دو رکعت نماز بخوان و صد و یک مرتبه بگو "استخیر الله" (از خدا طلب خیر می کنم) سپس نگاه کن بین کدامیک از دو طرف در نظرت مناسب تر است، پس همان را انجام بده که خیر در همان است انشاءالله. [۲] بعد از این مراحل اگر باز شک شخص بر طرف نشد او چگونه باید تصمیم بگیرد؟ در روایتی آمده که علی قمی می گوید به امام صادق «علیه السلام» گفتم خواستم کاری انجام دهم پس از خدا استخاره کردم اما به نتیجه ای نرسیدم که انجام بدهم یا نه پس حضرت فرمود چون وقتی انسان به نماز می ایستد شیطان بیش از هر وقت دیگری از او دورتر است پس بین در وقت نماز در قلبت چه چیزی است [قلبت به تو چه می گوید] پس همان را انجام بده و قرآن را باز کن پس اولین چیزی که در آن دیدی به آن عمل کن انشاءالله. [۳] در این روایت امام «علیه السلام» پس از اینکه شخص با طلب خیر کردن از خدا به نتیجه نرسید امام او را امر به کمک گرفتن از نماز می کند و بعد می فرماید قرآن را باز کن. همان طور که گفته شد استخاره از قرآن در جایی است که هیچ راه دیگری برای تصمیم گیری نباشد و در این صورت چه چیزی متبرک تر از قرآن برای خارج کردن انسان از تحیر خواهد بود؟ می توان چنین برداشت کرد که در لحظه ای که انسان به هیچ صورتی نمی تواند تصمیم گیری کند باز با رجوع به قرآن از کلمات نورانی آن راهنمایی بخواهد چون به هر حال هر عبارتی از قرآن در درون خود هدایت گر و حق نما است. در هر صورت تا آنجا که ممکن است باید به کمک عقل و تجربه‌ی خود عمل کنید و در مورد استخاره برای انجام معصیت یا ترک آن، احمقانه‌ترین نوع برخورد با استخاره است زیرا در مورد آنچه خدا و رسول خدا «صلوة الله علیه و آله» به صراحت دستور ترک آن را داده‌اند باز طرف خواسته استخاره کند و معلوم است که شیطان او را و استخاره‌ی او را در اختیار گرفته و معلوم است که در این صورت فقط آنچه شیطانی است خوب بیاید. موفق باشید _____ [۱]

وسائل الشیعة ج : ۸ ص : ۷۹ ، "من شقاء عبدی ان یعمل الاعمال و لا یستخیرنی". [۲] من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۶۳. بعضی از روایات علت این عمل را اینطور ذکر کرده اند که چون بعد از نماز شیطان دور تر از هر حالت دیگری است آنچه در نظر انسان است به خیر نزدیک تر است. و نگاه کنید: الکافی ج ۳ ص ۴۷۲ وسائل الشیعة ج ۸ ص ۷۴ الکافی ج ۳ ص ۴۷۲. [۳] وسائل الشیعة ج : ۶ ص : ۲۳۳.